

سبک زندگی اقتصادی امام حسن علیه السلام

دکتر نعمت‌الله صفری فروشانی^۱

معصومه اخلاقی^۲

مقدمه

زندگی امامان شیعه، از جنبه‌های مختلف از جمله حیات اقتصادی ایشان مهم و قابل مطالعه است. با وجود اهمیت شناخت حیات امامان شیعه، به عنوان الگوی جامعه شیعی، کار شایسته‌ای در زمینه ابعاد مختلف زندگانی ایشان انجام نگرفته و مطالعه و تحقیق در این زمینه، از عرصه‌هایی است که کم‌ترین مطالعات روشمند در آن‌ها انجام گرفته و اقتضای کارهای پژوهشی بسیار وسیعی را دارد. اگر بتوان امامان را به دو دسته - امامانی که خلافت را در دست داشتند و امامانی که خلیفه نبودند - تقسیم کرد، امام حسن علیه السلام در هر دو دسته جای می‌گیرند. کنار رفتن امام از خلافت را می‌توان نقطه عطفی در ابعاد مختلف حیات امامان از جمله در زندگی اقتصادی ایشان دانست. امام حسن علیه السلام در دوران خلافت، به عنوان خلیفه مسلمانان عمل کردند و زندگی اقتصادی ایشان نیز تحت تأثیر آن بود که بررسی آن روشی متفاوت می‌طلبد. این مقاله، در پی مطالعه سبک زندگی ایشان پس از صلح با معاویه است.

۱. عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه.

۲. کارشناسی ارشد تاریخ.

امام حسن (ع) پس از پذیرش صلح و اقامت در مدینه، از سویی چون سایر مردم در زندگی شخصی خود، مصارف، مخارج و منابع درآمدی داشتند و از سوی دیگر، رهبری جامعه شیعی در دست ایشان بود. گمان می‌رود درآمدهای امام از منابعی چون وجوهات شیعیان، صدقات و فعالیت‌های شخصی امام تأمین می‌شده و امام در بخش هزینه‌ها نیز علاوه بر تأمین نیازهای شخصی موظف بودند نیازهای مالی نهاد امامت را تأمین کنند. هم‌چنین گمان می‌رود برخی از اموال نیز صرف هزینه‌های تبلیغی و دعوت می‌شد.

هدف از این پژوهش، تبیین حیات اقتصادی امام حسن (ع)، است که می‌تواند باعث ارتقای سطح معرفتی جامعه شیعی نسبت به ابعاد مختلف زندگانی ایشان و الگوگیری از سیره اقتصادی امامان و ترویج تعالیم ایشان گردد.

زندگی امام حسن (ع)

امام حسن (ع) در پانزده رمضان سوم هجری در مدینه به دنیا آمدند.^۱ مادر ایشان حضرت فاطمه زهرا (ع) و پدرش امام علی (ع) بودند. گزارش‌هایی که از دوران کودکی امام حسن (ع) موجود است، عموماً به علاقه زیاد پیامبر گرامی اسلام (ص) و مهرورزی ایشان نسبت به امام اشاره می‌کنند. پیامبر (ص) در مورد ایشان می‌فرمودند: «الله انی احبه فاحبه و احب من یحبه یقولها ثلاث مرات» «پروردگارا! من حسن را دوست دارم، پس تو هم او را دوست بدار و هر کس را که او را دوست دارد دوست بدار.»^۲ ابن عباس می‌گوید:

۱. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲. طبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۵۵.

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله امام حسن علیه السلام را بر گردن خود سوار کرده بودند. مردی گفت: «ای پسر چه مرکب نیکویی را سوار شده‌ای!» پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ او فرمود: «و او چه نیکو سواری است.»^۱

پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را سرور جوانان بهشت خواندند.^۲

در سال ششم هجری در مباحله میان پیامبر صلی الله علیه و آله و گروهی از مسیحیان نجران، پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک‌ترین افراد خانواده‌اش یعنی امام علی علیه السلام، دخترش حضرت فاطمه علیها السلام و نیز دو فرزند ایشان حسنین علیهما السلام را به همراه بردند.^۳ به گفته برخی روایات، حسنین علیهما السلام در بیعت رضوان شرکت داشتند و پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان بیعت کردند.^۴

امام مجتبی علیه السلام در جنگ جمل، برای بسیج مردم کوفه علیه دشمنان، تلاش فراوانی نمودند و با خطبه‌هایی که ایراد کردند، توانستند نه هزار نفر را برای یاری پدر بسیج کنند.^۵ وظیفه تحریک و تحریض مردم کوفه در جنگ صفین نیز به عهده امام حسن علیه السلام بود. این بار نیز امام مجتبی علیه السلام با ایراد خطبه، مردم را برای پیوستن به جبهه امام تشویق کردند.^۶ هم‌چنین در جنگ صفین در کنار پدر و برادرانش جنگیدند و به اندازه‌ای جان‌فشانی از خود نشان دادند که امام علی علیه السلام از یاران خود خواستند تا او را از ادامه نبرد بازدارند.^۷ امام علی علیه السلام می‌فرمود: «من در مرگ این دو (حسین علیه السلام) بخل می‌ورزم؛ زیرا می‌ترسم با مرگ آن‌ها نسل

۱. همان، ص ۲۵۳.

۲. الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۹۱.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۲.

۴. الحیاه السیاسیه لامام المجتبی ص ۲۳.

۵. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۸۵.

۶. وقعه الصفین، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۷. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۴۴ و ج ۱۱، ص ۲۵.

رسول خدا (ص) قطع گرد.^۱ امام در دوران خلافت حضرت علی (ع)، برای انجام دادن برخی امور مأموریت می‌یافتند. به گفته مسعودی، هرگاه عذری برای امیرمؤمنان (ع) پیش می‌آمد و نمی‌توانستند برای اقامه نماز جمعه در مسجد کوفه حضور یابند، طی حکمی فرزند خود را بر این کار می‌گماردند.^۲ امام علی (ع) در برخی موارد، وظیفه رسیدگی به شکایت‌ها را به فرزند خود محول می‌کردند. از قضاوت‌های امام حسن (ع) در زمان پدر هم گزارش‌هایی وجود دارد.^۳

سرپرستی موقوفات امام علی (ع) از دیگر مسئولیت‌های ایشان بود. امام علی (ع) پس از بازگشت از صفین، سرپرستی موقوفات و صدقات را به امام حسن (ع) سپردند تا ایشان ضمن نگاه‌داری و رسیدگی به امور موقوفات و صدقات، عایدات آن‌ها را بین مستمندان تقسیم کند.^۴

پس از شهادت امام علی (ع) مردم برای بیعت به سوی امام حسن (ع)، بزرگ‌ترین فرزند او، آمدند. چهل هزار نفر از مردم کوفه با امام بیعت کردند. مردم مدینه و مکه نیز بدون مخالفتی از بیعت با امام استقبال نمودند.^۵ امام از همان ابتدا از تردید مردم کوفه در جنگ با معاویه آگاه بودند و سعی کردند همه جوانب را سنجیده، با مردم بیعت کنند با این شرط که با هر کس او در جنگ است، بجنگند و با هر کس او صلاح می‌داند، صلح کنند.

معاویه که از بیعت با امام حسن (ع) احساس خطر کرده بود، برای مقابله با امام آماده شد. از این‌رو، جاسوسانی به کوفه و بصره فرستاد و خود نیز با

۱. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۶۱.

۲. مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۳۱.

۳. الکافی، ج ۷، ص ۲۸۹.

۴. تاریخ مدینه المنوره، ج ۱، ص ۲۲۵.

۵. تشیع در مسیر تاریخ، ص ۱۱۷.

سپاهی به سوی کوفه رهسپار شد. امام پس از آگاه شدن از حضور جاسوسان، دستور داد ایشان را بیاوند؛ سپس دستور قتل آن‌ها را صادر فرمود. امام به دنبال این واقعه، نامه تهدیدآمیزی به معاویه نوشت و به او اخطار فرمود برای جنگیدن با او آماده شده است.^۱

افزایش عطای سپاهیان، اقدام دیگری بود که امام برای بهبود اوضاع برای نبرد با معاویه انجام دادند. امام در نامه‌های خود به معاویه، ضمن توبیخ او در فرستادن جاسوسان، حقانیت اهل بیت علیهم السلام در جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله، غاصب بودن دیگرانی که در این جایگاه قرار گرفتند و ناشایستگی معاویه برای احراز این مقام را بیان کردند. امام از معاویه خواستند از راه باطل بازگشته، با او بیعت کند، در غیر این صورت با او خواهند جنگید.^۲

امام پس از اطلاع از حرکت معاویه به سوی کوفه، بر بالای منبر رفته، طی خطبه‌ای از مردم خواستند تا ایشان را در نبرد با معاویه یاری دهند و آنان را به صبر و پایداری در جهاد دعوت کردند و پیروزی را فقط در سایه استقامت و تحمل مشقتها برای ایشان ممکن دانستند؛ سپس از آن‌ها خواستند تا دعوت ایشان را بپذیرند و به سوی اردوگاه نخیله حرکت کنند؛ ولی کوفیان هیچ پاسخی ندادند،^۳ مگر بر اثر فشار روانی ناشی از پیش‌قدم شدن اشراف و بزرگانی چون عدی بن حاتم، قیس بن سعد، معقل بن قیس و زیاد بن صعصعه تمیمی که ضمن پیوستن به امام، با سخنانی تویخ‌آمیز سکوت کوفیان را شکستند. امام خشنودی

۱. مقاتل الطالبيين، ص ۶۲ - ۶۳.

۲. مقاتل الطالبيين، ص ۶۴ - ۶۵.

۳. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۸۰؛ مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۲؛ مقاتل الطالبيين، ص ۶۹ - ۷۰.

خود را از ایشان ابراز کردند؛^۱ ولی بر شکننده بودن این اتحاد و بی میلی کوفیان از شرکت در این جنگ بیش از پیش آگاه گردیدند.

به گفته شیخ مفید، گروه‌های مختلف حاضر در سپاه امام عبارت بودند از: شیعیان امام و پدرش، خوارج، مردمی که به طمع غنائم جنگی آمده بودند، شکاکان که عقیده و ایمان محکمی به امام نداشتند و کسانی که از روی غیرت و عصیت قومی و پیروی از سران قوم خود آمده بودند.^۲ سپاه امام در ابتدای نبرد دچار تزلزل شد و برخی فرماندهان سپاه و سرشناسان کوفه به معاویه پیوستند.^۳ و امام چاره‌ای جز صلح با معاویه در پیش روی خود ندیدند و امید خود را از ادامه جنگی بی همراه که فقط به کشته یا اسیر شدن خود و یارانش می‌انجامید، از دست دادند و با معاویه صلح کردند.^۴

شرایطی که امام برای صلح با معاویه اعلام داشتند، در منابع با اختلافاتی بیان شده است. طبق گفته بلاذری، معاویه نامه‌ای به سوی امام فرستاد و در آن متعهد شد که خلافت پس از وی از آن امام حسن (ع) باشد؛ یاران امام را تعقیب نکند و در هر سال یک میلیون درهم از بیت‌المال و نیز خراج فسا و دارابگرد را به امام بدهد. وقتی نامه به امام رسید، آن را رد کردند و تنها «امان» را شرط بیعت خود دانستند. پیش از آن که پاسخ امام به معاویه برسد، او نامه سفیدی برای امام فرستاد تا شرایط خود را بنویسد؛ امام نیز در آن شرایطی را ذکر کردند و خواستار امنیت برای اصحاب و شیعیان خود شدند و خواستند تا معاویه به کتاب و سنت پیامبر (ص) عمل کند.

۱. مقاتل الطالبيين، ص ۷۰.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۱۰.

۳. الارشاد، ج ۲، ص ۱۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۳؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۴۰.

۴. مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۷ و ۳۹.

عمل کند و انتخاب خلیفه بعدی به شورا واگذار شود.^۱ شرایطی که شیخ مفید برای صلح ذکر کرده، ترک لعن امام علی علیه السلام، امنیت شیعیان و احقاق حق ایشان است.^۲ برخی منابع شرایط مالی از جمله خراج دارابگرد^۳ و پرداخت سالیانه مبالغی به شکل سالیانه به حسنین علیهما السلام را به عنوان شرایط صلح امام ذکر کرده‌اند.^۴

امام حسن علیه السلام پس از انعقاد صلح با معاویه، همراه اهل بیت علیهم السلام به مدینه بازگشتند و تا پایان عمر در آنجا به سر بردند. گزارش‌های چندانی از زندگی امام در مدینه پس از صلح موجود نیست. آن حضرت در مدینه، به پرورش جامعه شیعی و حفظ حیات و انسجام ایشان پرداختند. امام با پرورش شاگردانی چون ابوالاسود دؤلی، ابومخنف بن لوط، اسحاق بن یسار و عبدالله بن عباس و نیز افرادی چون احنف بن قیس، اصبع بن نباته و جابر بن عبدالله انصاری که از اصحاب علی علیه السلام نیز بودند، به ترویج تعالیم اهل بیت علیهم السلام پرداختند. به گفته ابن-صباغ، روزها مردم گرداگردش حلقه می‌زدند و حضرت برایشان معارف و احکام الهی را بازگو می‌نمودند. بیانشان حجت قاطع بود، به‌طوری‌که جای احتجاج و مجادله باقی نمی‌گذاشت.^۵

کمک به فقرا از دیگر فعالیت‌های امام در مدینه بود. بخش عمده‌ای از موقوفات و صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و اموال شخصی وی به این امر اختصاص می‌یافت.

۱. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۸۵ - ۳۸۶.

۲. الارشاد، ج ۲، ص ۱۴؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۵؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۴۶.

۳. طبقات الکبری، ج ۵، ص ۳۲۲.

۴. اخبار الطوال، ص ۲۱۸.

۵. الفصول المهمه، ج ۲، ص ۷۰۲.

احتجاجات امام با معاویه و سایر امویان و رسوا ساختن ایشان در دفاع از حقوق اهل بیت (ع) در شناساندن معاویه و اطرافیانش به دیگران نقش مهمی داشت.^۱ گزارش‌هایی در منابع از مناظرات امام با امویان هم‌چون معاویه بن خدیج؛^۲ حبيب بن مسلمة^۳ و عمرو عاص^۴ وجود دارد. امام تا جایی که می‌توانستند از حقوق شیعیان دفاع می‌کردند.^۵

امام حسن (ع) در ۲۸ صفر سال ۵۱ هجری بر اثر سم به شهادت رسیدند. برخی منابع مسمومیت ایشان را به دست همسرش جعده و به دستور معاویه عنوان کرده‌اند.^۶ امام در روزهای پایان عمر خود فرمودند که بارها مسموم شدند. ایشان به برادرش امام حسین (ع) وصیت کردند در صورتی که منعی نباشد و موجب خون‌ریزی نگردد پیکرشان را در کنار قبر پیامبر (ص) دفن کنند.^۷ اما امویان با همراهی عایشه از این کار خودداری کردند.^۸ عاقبت امام در بقیع دفن شدند.^۹

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۹۲.

۲. الغارات، ج ۱، ص ۲۸۵؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۸.

۳. انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۲؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۲۱.

۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۷.

۵. طبق گزارشی، امام در اعتراض به آزار و اذیت زیاد نسبت به یکی از شیعیان به نام سعید بن سرح، نامه‌ای به او نوشت و خواستار توقف آن شد. زیاد در پاسخ، نامه گستاخانه برای امام فرستاد. امام نیز طی نامه‌ای به معاویه، جریان را بازگو کردند. معاویه ضمن سرزنش زیاد، برتری امام و خاندانش را به او یاد آور شد و دستور داد اموال و خانواده سعید را به او بازگردانده، خواسته امام را عملی کند. (شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۹۵).

۶. مقاتل الطالبیین، ص ۶۰؛ البدء والتاریخ، ج ۶، ص ۵.

۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۵.

۸. طبقات الکبری، جلد ۵، ص ۳۵۶؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۵؛ الارشاد، ج ۲، ص ۱۹.

۹. مقاتل الطالبیین، ص ۸۲.

منابع درآمدی

از منابع تأمین‌کننده درآمد امام حسن (ع) می‌توان موقوفات، ارث، هدایا و کشاورزی را نام برد.

۱. موقوفات

ائمه از جمله پیامبر (ص)، حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (ع) بخشی از اموال خود را برای رسیدگی به امور نیازمندان خصوصاً فقرای بنی‌هاشم، وقف می‌کردند و تولیت آن را پس از خود به دست افرادی از خاندان خویش می‌سپردند تا سود آن را به مصرف مستمندان برسانند. تولیت این صدقات پس از شهادت حضرت علی (ع)، در دست امام حسن (ع) و سپس در دست امام حسین (ع) و فرزندانشان بوده است. این موقوفات عبارت بودند از:

۱-۱- اموال پیامبر (ص)

آنچه از پیامبر (ص) به جای ماند، اموال و املاکی بود که منابع مختلف به شکل‌های متفاوت دسته‌بندی کرده‌اند.^۱ به‌طورکلی این اموال عبارت بودند از:

الف) باغ‌های هفت‌گانه

این بستان‌ها را مخیریق یهودی^۲ به پیامبر (ص) هدیه کرد و عمده صدقات حضرت رسول (ص) از این اموال بود.^۳ این باغ‌ها شامل عواف، صافیه، دلال، میثب، برعه، حسنی و مشربه‌ام ابراهیم^۴ بود،^۱ در محله بنی‌نضیر قرار داشت. عمده

۱. الاحکام السلطانیة، ص ۲۱۷.

۲. مخیریق از علمای یهود بنی‌قینقاع، و یا بنی‌نضیر بود. که اسلام آورد و در جنگ احد در کنار مسلمانان جنگید تا به شهادت رسید. او قبل از مرگ، اموال خود را به پیامبر ۹ بخشید. (امتناع الاسماع، ج ۱۴، ص ۳۹۶؛ فتوح البلدان، ص ۲۷؛ الإصاحبه، ج ۶، ص ۴۷).

۳. المغازی، ج ۱، ص ۳۵۷؛ السیره النبویه، ج ۱، ص ۵۱۸.

۴. بستانی که ماریه، یکی از همسران پیامبر ۹، ابراهیم را در آن‌جا به دنیا آورد. از این پس این مکان به این نام خوانده شد. (تاریخ مدینه المنوره، ج ۱، ص ۱۷۳).

صدقات پیامبر (ص) از این اموال بود.^۲ این باغ‌ها را پر درخت با نهرها و چشمه‌های فراوان و محصول بسیار گفته‌اند.^۳ ابوبکر پس از رحلت پیامبر (ص) این زمین‌ها را همراه با فدک و خیبر به بیت‌المال اختصاص داد. اما به گفته برخی منابع، تولیت این صدقات را به حضرت فاطمه (ع) بازگرداند.^۴ طبق وصیت حضرت زهرا (ع) صدقات پیامبر (ص) در اختیار امام علی (ع) و پس از او امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و سپس به بزرگ‌ترین فرد از اولادش می‌رسید.^۵ ایشان اموالی را نیز برای فقرای بنی‌هاشم، بنی‌عبدالمطلب و نفقه همسران پیامبر (ص) وصیت کردند.^۶

(ب) اموال بنی‌نضیر؛^۷

(ج) اراضی خیبر؛^۸

(د) نصف زمین فدک؛^۹

۱. المغازی، ج ۱، ص ۳۷۶؛ وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۸۸.

۲. السیره النبویه، ج ۱، ص ۵۱۸، المغازی، ج ۱، ص ۲۶۳.

۳. فدک و العوالی و الحوائط السبع، ص ۳۱.

۴. التهنید، ج ۹، ص ۱۴۵.

۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۴۵.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۵۴.

۷. این زمین‌ها در سال چهارم هجری پس از کوچ یهود بنی‌نضیر به پیامبر (ص) اختصاص یافت. آن حضرت درآمد غنائم بنی‌نضیر را که ویژه خودشان بود، بین خویشان خود تقسیم کردند و از همین اموال، صدقه هم می‌دادند. در میان نخلستان‌های بنی‌نضیر به میزان زیادی زراعت می‌شد که معمولاً پیامبر (ص) مصرف سالیانه جو و خرمای همسران خود و فرزندان عبدالمطلب را از آن‌جا تأمین می‌فرمودند و اضافه آن هم صرف خرید اسلحه و اسب برای جنگ می‌شد، چنان‌که از آن اسلحه و اسب‌ها که در روزگار پیامبر (ص) تهیه شده بود، در عهد خلافت ابوبکر و عمر هم استفاده می‌شد. پیامبر (ص) ابورافع وابسته خود را بر اموال بنی‌نضیر گماشته بودند. (المغازی، ج ۱، ص ۳۵۷)

۸. در فتح هفت قلعه خیبر، سه قلعه به پیامبر (ص) اختصاص یافت. پنج قلعه به جنگ فتح شد که یکی از آن‌ها به نام کتیبه به عنوان خمس به حضرت تعلق گرفت و دو دژ دیگر به نام‌های وطیح و سلالم به صلح فتح شد و به ایشان اختصاص یافت. (وفاء الوفا، ج ۴، ص ۱۲۱۰)

(ه) یک سوم از زمین‌های وادی القری؛^۲

(و) موضعی در بازار مدینه به نام مهزور^۳ که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را جزو صدقات قرار داده بودند.

حضرت زهرا علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله از ابوبکر اموال پدر در مدینه، فدک و بقیه خمس خیبر و هرچه پس از اختصاص بخش‌هایی از آن به مسلمانان توسط پیامبر صلی الله علیه و آله، باقی مانده بود، مطالبه کردند،^۴ اما خلیفه با استناد به این حدیث جعلی از پیامبر صلی الله علیه و آله که «لا نورث، ما ترکنا فهو صدقه» (پیامبر از خود ارثی به جای

۱. پس از فتح خیبر، یهودیان فدک از ترس حمله مسلمانان با پیامبر صلی الله علیه و آله قرارداد صلح منعقد کردند و نصف اراضی و باغستان‌های فدک را به ایشان واگذار کردند. از آن‌جا که این منطقه بدون جنگ به تصرف مسلمانان درآمد، جزو املاک خاصه پیامبر صلی الله علیه و آله شد. (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۹) فدک قریه‌ای بود که به اندازه دو سه روز راه پیمایی از مدینه فاصله داشت. قسمتی از اراضی آن کشاورزی و حاصل‌خیز و بقیه به صورت باغستان‌های خرما درآمد به بود که چشمه فورانی در وسط آن وجود داشت (معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۹). مجموع عایدات آن از ۲۴ تا هفتاد هزار دینار در سال نقل شده است. گفته شده درختان خرماي آن در قرن شش هجری معادل درختان خرماي کوفه بوده است. گرچه این گفته اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد. می‌توان از آن به اهمیت و وسعت این اراضی پی برد (فدک، ص ۱۵). در سال هفتم هجری، پس از آن‌که با پیمان‌شکنی یهود، مسلمانان این منطقه را فتح کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی را به فدک فرستادند تا یهود این منطقه را به اسلام دعوت کند، آنان نپذیرفتند. ولی قرارداد گذاشتند که نصف اراضی و باغستان‌های فدک را به پیامبر صلی الله علیه و آله واگذارند (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۹). به عقیده شیعه، حضرت رسول صلی الله علیه و آله فدک را به حضرت زهرا علیها السلام هبه کردند و تا رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، و خلافت ابوبکر، در دست وی بود. با به خلافت رسیدن ابوبکر فدک به بیت المال اختصاص یافت (شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۰۸). معاویه پس از شهادت امام حسن علیه السلام، فدک را به مروان بن حکم بخشید (وفاء الوفا، ص ۱۰۰۰؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۴۰) و او همه ساله محصول فدک را به ده هزار دینار می‌فروخت (طبقات الکبری، ج ۵، ص ۳۰۲). به قولی معاویه فدک را سه قسمت کرد و به مروان بن حکم، عمرو بن عثمان و فرزند خود، یزید داد (الطرائف، ص ۲۰۲). پس از آن، این اراضی به دفعات دست به دست شد و هر کس آن را به دیگری بخشید.

۲. دره‌ای بین مدینه و شام و از بخش‌های تابع مدینه بود که به علت روستاهای پراکنده و زیادی که داشت، به این نام مشهور بود. (معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۴۵). این منطقه از مناطق یهودی‌نشین بود که در سال هفتم هجری پس از فتح خیبر به تصرف مسلمانان درآمد (فتوح البلدان، ج ۳، ص ۴۳؛ التنبیه والإشراف، ص ۲۲۴).

۳. منطقه‌ای متعلق به یهودیان بنی قریظه و واقع در عالیه بود و احتمالاً پس از توسعه مدینه در قسمت بازار آن واقع شده است (فدک و العوالی و الحوائط السبعة، ص ۲۸).

۴. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۱۷؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۱۱۱.

نگذاشته است)، از باز پس دادن این اموال خودداری کرد.^۱ اما بعد تولیت باغ‌های هفت‌گانه را به حضرت فاطمه (ع) بازگرداند و فدک نیز سرنوشت پر فراز و نشیبی داشت، اما در زمان حیات امام حسن (ع) به اهل بیت (ع) بازگردانده نشد.

۲-۱- صدقات امام علی (ع)

از جمله اموال امام علی (ع) املاک و زمین‌های کشاورزی ایشان در یثرب^۲ بود که حضرت جزو صدقات قرار دادند.^۳ این منطقه، روستایی بود که در زمان پیامبر (ص) از یهود مدینه گرفته شد و همراه روستای عرینه و فدک، به عنوان «فیء»^۴ در اختیار پیامبر قرار گرفت.^۵ ابن‌شبه این منطقه را خلیجی از نخل و چشمه توصیف کرده و از جمله چشمه‌های آن «بغیغات»، «خیف لیلی» و «خیف بسطاس» می‌داند. او می‌گوید: پیامبر این ملک را به امام علی (ع) داد. ایشان نیز قطعه‌ای دیگر خریدند و چشمه‌ای در آن حفر کردند و آن را جزو صدقات برای فقرا در راه ماندگان قرار دادند.^۶ هزینه زندگی امام از غله این زمین‌ها تأمین می‌شد.^۷ ابن‌اثیر نقل می‌کند که می‌گفتند: علی (ع) آجری و خشتی بر خشتی نهاد و حال آن‌که هدایا و پرداخت‌هایش که از درآمد صدقات و اوقافش بود، در انبان برایش از مدینه می‌رسید.^۸ به گفته خود امام، درآمد موقوفاتش بالغ بر چهار هزار

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۴۶.

۲. منطقه‌ای بین مکه و مدینه که دارای نخلستان، زراعت و چشمه آب بوده و بیش‌تر موقوفات امام علی (ع) در آن قرار داشت (معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۵۰؛ تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۲۲۱).

۳. تاریخ مدینه المنوره، ج ۱، ص ۲۲۱.

۴. تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۱۴۶.

۵. اصول کافی، ترجمه کمره‌ای، ج ۲، ص ۵۴۵.

۶. تاریخ مدینه المنوره، ج ۱، ص ۲۲۱.

۷. الغارات، ص ۴۷؛ فضائل الخمسه من الصحاح الستة، ج ۳، ص ۲۱.

۸. الکامل، ج ۳، ص ۴۰۱.

و به روایتی چهل هزار دینار (در سال) می شد.^۱ برپایه روایات، گاو و گوسفند هم در آن پرورش می داده اند.^۲

امام علاوه بر این آنچه را در «اذینه»، «فقیرین» و «بدعه» (برعه) داشتند، نیز جزو اموال صدقه قرار دادند.^۳ منابع صدقات دیگری نیز برای امام علی علیه السلام برشمرده اند.^۴

امام علی علیه السلام امور مربوط به صدقات خود را به امام حسن علیه السلام و پس از او به امام حسین علیه السلام و سپس به صالح ترین فرزند خود و در نبود چنین فردی، به صالح ترین فرد از فرزندان فاطمه علیه السلام واگذار نمودند.^۵ امام حسن علیه السلام پس از صلح، برخی از صدقاتی را که به شیعیان می دادند از این اموال بود. همان طور که خانه و زمینی از املاک ینبع را به ابورافع، کاتب امام علی علیه السلام بخشیدند. او از شیعیان و یاران حضرت علی علیه السلام بود و خانه و ملکش را در مدینه به سبب شرکت در جنگ جمل فروخته و به کوفه رفته بود و بعدها با امام حسن علیه السلام به مدینه بازگشت.^۶

۲. ارث

اموال و املاک دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام به عنوان ارث باقی ماند. پیامبر صلی الله علیه و آله اموالی از پدرش عبدالله، مادرش آمنه و همسرش خدیجه به ارث بردند.^۷ و به گفته امام رضا علیه السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله غیر از فدک، اموالی دیگر نیز وجود

۱. أسد الغابه، ج ۳، ص ۵۹۹.

۲. بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۵۶ و ۱۰۳.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۱۴۶.

۴. تاریخ مدینه المنوره، ج ۱، ص ۲۲۴ - ۲۲۵؛ حقایق پنهان، ص ۱۳۴ - ۱۳۵.

۵. تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۱۴۵ - ۱۴۸.

۶. کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۴۷.

۷. احکام السلطانیه، ص ۲۲۰.

داشت،^۱ مثل باغی در مدینه، چهل شتر، شش اسب و اموالی دیگر که به حضرت زهرا (ع) رسید،^۲ اما معلوم نیست پس از او در اختیار فرزندان قرار گرفت یا نه. امام علی (ع) نیز در وصیت خود به اموالی اشاره کرده که از پیامبر به فاطمه (ع) رسیده و باید در اختیار فرزندان قرار بگیرد.^۳

امام علی (ع) در وادی القری، املاکی داشتند که به فرزندان حضرت زهرا (ع) هبه کردند،^۴ اما از اموال نقدی تنها هفتصد درهم به جای گذاشتند. هنگامی که حضرت علی (ع) به شهادت رسیدند، امام حسن (ع) در خطبه‌ای بیان کردند که وی از مال سفید و سرخ دنیا (کنایه از نقره و طلا)، جز هفتصد درهم که آن‌هم از عطایش زیاد آمده بود، باقی نگذاشتند و می‌خواستند با آن پول، خدمت‌کاری برای خانواده‌اش بخرند.^۵ امام حسن (ع) برای پرداخت قرض پدر که هشتصد درهم بود، بعضی از املاک ایشان را فروخت.^۶

۳. کشاورزی

همان‌گونه که کشاورزی یکی از منابع درآمدی مهم مردم گذشته محسوب می‌شد، از راه‌های درآمدزای امامان شیعه نیز بود. امام حسن (ع) املاکی از امام علی (ع) به ارث بردند. مزرعه و نخلستانی نیز در دره صدر نخلی واقع در ینبع،

۱. گرچه در بسیاری از منابع تاریخی، روایاتی وجود دارد مبنی بر این که پیامبر (ص) در هنگام وفات چیزی از مال

دنیا از خود به جای نگذاشتند، که راوی اغلب آن‌ها عایشه و عمرو بن حارث برادر جویری، همسر پیامبر (ص)

است (الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۹۴؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۷۲؛ البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۸۲).

۲. کشف الغمه، ج ۱، ص ۴۹۶.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۵۲.

۴. تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۱۴۵-۱۴۸؛ الکافی، ج ۷، ص ۴۹.

۵. بصائر الدرجات، ص ۱۶۰؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۵۷؛ الأمالی، ص ۲۶۹؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۶۶؛ انساب

الاشراف، ج ۳، ص ۲۸.

۶. کشف المحجبه لثمره المهجه، ص ۱۸۳.

داشتند.^۱ پس طبیعتاً خود یا غلامانش در این زمین‌ها به کشاورزی مشغول بوده‌اند. خصوصاً پس از صلح که امام از مشغله‌های سیاسی کناره گرفتند.

۴. هدایا و مقرری از حکومت

منظور از هدایا، هدایای مردمی و مقرری و هدایای حکومتی است. گزارش‌های زیادی از رسیدن هدایای شیعیان به دست امام حسن علیه السلام وجود ندارد که می‌توان برای آن دلایلی مثل شکل نگرفتن جامعه شیعه اعتقادی، محدود بودن تعداد شیعیان و متمکن بودن امام را حدس زد. امام حسن عسکری علیه السلام فرموده‌اند که کسی هدیه‌ای برای امام حسن علیه السلام آورد، امام بیست برابر آن را که معادل بیست هزار درهم می‌شد به وی بازگرداند.^۲

گزارش‌های نسبتاً زیادی از تقدیم هدایای حکومتی به امام حسن علیه السلام وجود دارد. برخی منابع ذیل شرایط صلح امام با معاویه، شرایط مالی را نیز به عنوان شروط پذیرش صلح از سوی امام حسن علیه السلام ذکر کرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. پنج میلیون درهم که در بیت‌المال کوفه موجود است به امام حسن علیه السلام واگذار شود؛

۲. سالانه دو میلیون درهم به حسین بن علی علیه السلام تعلق گیرد؛

۳. بنی‌هاشم در مستمری‌ها بر بنی‌عبدالشمس مقدم باشند؛^۳

۴. یک میلیون درهم بین اولاد کسانی که در جنگ‌های جمل و صفین، در رکاب امام علی علیه السلام به شهادت رسیده‌اند، توزیع شود.^۴ و این از محل خراج دارابگرد^۱ باشد.^۲

۱. وفاء الوفا، ص ۱۳۱۹.

۲. الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۹.

۳. الأخبار الطوال، ص ۲۱۷.

۴. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۱۱.

مفاد قرارداد به ویژه بندهای مالی آن، به روشنی در منابع نیامده و مغشوش است. به نظر می‌رسد علت آن این باشد که پیش از صلح، دو طرف چندین بار شروطی به صورت شفاهی و کتبی اعلام کرده‌اند، و احتمالاً تاریخ‌نگاران، هر کدام پاره‌ای از این مفاد را گزینش و ثبت نموده‌اند. به همین دلیل، گزارش‌های مختلفی وجود دارد. در برخی منابع، ردوبدل شدن بیش از یک نامه بین امام و معاویه و مشاجره آن‌ها بر سر مفاد صلح‌نامه آمده است.^۳ در هر حال، برخی احتمال پیشنهاد شروط مالی از سوی امام را با استناد به برخی منابع کاملاً رد کرده‌اند.^۴ ابن اعثم نیز آوردن شروط مالی را از سوی پیک امام دانسته و نه خود امام.^۵ در هر حال، برخی منابعی که تعهدات مالی بین امام و معاویه را آورده‌اند، عدم وفاداری معاویه را نسبت به تعهداتش بیان کرده‌اند؛^۶ خراج دارابگرد به امام پرداخت نشد؛ چون مردم بصره که از نظر اداری دارابگرد را در تابعیت خود داشتند، به تحریک معاویه، حاضر به دادن خراج به امام نشدند.^۷ تنها برخی از منابع به پرداخت پنج هزار درهم از بیت‌المال کوفه به امام که آن را هزینه سفر

۱. دارابگرد یا دارابگرد، روستایی از نواحی اصطخر فارس است (معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۱۹). گرد به زبان فارسی قدیم به معنای شهر است و دارابگرد یعنی شهر داراب (صلح امام حسن، ص ۳۵۶، پاورقی). در علت انتخاب شدن دارابگرد توسط امام حسن (ع) گفته شده این سرزمین با مصالحه بین عثمان بن ابوالعاص و رئیس دارابگرد به تصرف مسلمانان درآمد، پس چنین شهری مالیات و خراجش در اختیار پیامبر (ص) و امام مسلمانان است، و هرگونه بخواهند مصرف می‌کنند. امام می‌خواستند بازماندگان شهدا از این اموال که به امام اختصاص دارد بهره مند شوند (علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۱۱).

۲. مفاد این قرارداد به صورت پراکنده در الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۴۰۵؛ تجارب الأمم، ص ۵۷۱؛ العبر، ج ۲، ص ۶۴۸؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۱۱ و ۲۱۶ آمده است.

۳. تجارب الأمم، ص ۵۷۱.

۴. تاریخ سیاسی اسلام/ از رحلت پیامبر (ص) تا زوال امویان، ص ۳۹۳-۳۹۴.

۵. الفتوح، ص ۲۸۴.

۶. تجارب الأمم، ص ۵۷۱.

۷. الکامل، ج ۳، ص ۴۰۵؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۶۰.

همراهان و خانواده خود و پدرش به مدینه نمودند،^۱ و تعلق گرفتن سالانه یک میلیون درهم به آن حضرت اشاره کرده‌اند.^۲

طبق برخی گزارش‌ها، حسنین علیهما السلام با وجود خصومتی که با معاویه داشتند، هدایای او را می‌پذیرفتند.^۳ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «یک‌بار که معاویه هدیه‌ای به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیهما السلام و عبدالله بن جعفر داد، امام حسن علیه السلام آن را برای ادای قرض خود به مصرف رساند که مقدار آن‌هم زیاد بود و بقیه را در میان خانواده و غلامانش تقسیم کرد. امام حسین علیه السلام نیز آن را برای امور خانواده‌اش مصرف نمود.»^۴

آنچه امامان به عنوان صله و جایزه از حکومت دریافت می‌کردند، غیر از مقرری آن‌ها از بیت‌المال بود. ائمه مانند دیگر مردم از این حقوق برخوردار بودند.^۵ به گفته ابن سعد، امام حسن علیه السلام سالیانه یک میلیون درهم به عنوان مقرری دریافت می‌کردند.^۶ امامان از این اموال را برای کمک به مستمندان استفاده می‌نمودند، به خصوص که در بعضی دوره‌ها، محروم کردن شیعیان از حقوق بیت‌المال و فشارهای سیاسی و اقتصادی در سیاست خلفا و امرا گنجانده می‌شد. در این مواقع، شیعیان مستمند برای کمک‌خواهی به سوی امامان می‌آمدند.

۱. طبقات الکبری، ج ۵، ص ۳۱۸.

۲. همان.

۳. قرب الإسناد، ص ۴۴.

۴. الخرائج و الجرائع، ج ۱، ص ۲۳۸.

۵. علامه مجلسی پذیرش این هدایا را توسط امامان، از حکومت‌های نامشروع جایز دانسته، می‌گوید: «پذیرفتن بخشش از شخص ستمکاری که غالب شده باشد جایز است، زیرا هر مالی که در دست شخصی که از راه ظلم بر امت اسلام غالب شده، موجود باشد، بر امام و عموم مسلمانان واجب است به هر نحوی که ممکن باشد، آن را از دست وی بگیرند، خواه به‌طور رضا و رغبت و خواه به نحو اکراه، آن‌گاه آن را در راهی که صلاح است مصرف کنند (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۱).

۶. طبقات الکبری، ج ۵، ص ۳۳.

با این احوال، بعید به نظر نمی‌رسد کسانی که سعی داشته‌اند صلح امام حسن (ع) را به نوعی معامله‌ای سودجویانه از سوی امام جلوه بدهند، تعدادی از روایات اغراق‌آمیز در اهدای هدایای هنگفت از سوی معاویه به حسین (ع) را به عنوان مستندات ادعای خود ساخته و یا نقل کرده باشند تا به شکلی، نیاز مالی امام و طمع حضرت به دنیا را نشان دهند. از جمله، گزارش‌هایی مربوط به ملاقات‌های امام با معاویه، شرکت امام در مجلس معاویه و دریافت هدایا از اوست.^۱ باید گفت: پس از صلح و بازگشت امام به مدینه، در هیچ منبع تاریخی از سفر امام به عراق و شام و سفر معاویه به مدینه در زمان حیات امام، سخنی وجود ندارد. امام پس از بازگشت به مدینه، تا آخر عمر در همان‌جا سکونت داشتند. ظاهراً این‌گونه روایات، ساخته ذهن کسانی است که خواسته‌اند به نوعی به تحقیر شخصیت امام در مقابل معاویه بپردازند. در طول تاریخ خصوصاً در زمان امویان و عباسیان، امام در معرض هجمه تهمت‌های ایشان بودند و افرادی چون زهری، سعی نمودند تا کناره‌گیری امام از حکومت را به نوعی برای آسایش طلبی و به طمع مال و ثروت معرفی کنند.^۲ از این‌رو، این‌گونه روایات که از آن تخریب چهره امام حسن (ع) و در مقابل بالابردن مقام معاویه به دست می‌آید، پذیرفتنی نیست.

هزینه‌ها

برپایه گزارش‌های موجود، هزینه‌های امام حسن (ع) را می‌توان در دودسته قرارداد: هزینه‌های شخصی و مربوط به خانواده و صدقات و هدایای ایشان به پیروان خود.

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۲.

۲. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۱۲۱.

۱. خانواده

هزینه‌ای که ائمه صرف امور خانواده خود می‌کردند، هزینه‌های شخصی به شمار می‌آمد و طبیعتاً از درآمدهای شخصی آنان تأمین می‌شد. موارد این هزینه‌ها را می‌توان زنان و فرزندان امام، هزینه‌های خود امام، غلامان و خدمتکاران ایشان دانست.

نفقة و مهریه زنان ائمه و نیز نفقه فرزندان آنان، مخارج تحصیل و غیره، از موارد هزینه امامان بوده است. آنان انسان‌های بزرگواری بودند که بی‌تردید به رفع نیازهای خانواده خود و تأمین رفاه آنان اهمیت زیادی می‌دادند. در گزارشی از ابی اسحاق، امام حسن (ع) هنگام ازدواج با جعده دختر اشعث هزار دینار به او دادند.^۱ روایاتی نیز از هدیه هزار کنیز و هزار درهم به همراه هر کنیز، توسط امام حسن (ع) به یکی از زنانش خبر می‌دهد.^۲ البته این ارقام اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد. در روزگاری که امام حسین (ع) تأکید می‌کنند مهریه دختران و زنان اهل بیت طبق سنت پیامبر (ص) ۴۸۰ درهم است،^۳ ارسال چنین مبالغی از سوی امام را نمی‌توان به آسانی پذیرفت.

درباره دفعات ازدواج امام حسن (ع) روایاتی وجود دارد که گاه تعداد همسران وی را به هفتاد،^۴ نود^۵ و حتی سیصد و چهارصد زن رسانده‌اند. برخی منابع هنگام بیان فرزندان امام، از مادران ایشان نیز یاد کرده‌اند. از جمله این منابع طبقات‌الکبری، انساب‌الاشراف، الارشاد و مناقب آل ابی‌طالب است که به ترتیب

۱. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۱۷.

۲. کشف‌الغمه، ج ۱، ص ۵۶۱؛ بحار‌الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵۰.

۳. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۳۹.

۴. بحار‌الانوار، ج ۴۴، ص ۱۷۳.

۵. انساب‌الاشراف، ج ۳، ص ۲۵.

هر کدام ۲۵ فرزند و ده همسر و امولد، ده فرزند و هفت همسر و امولد، پانزده فرزند و نه همسر و امولد و شانزده فرزند و شش همسر و امولد را به امام نسبت می‌دهند. ابن سعد تعداد فرزندان امام را ۲۵ تن می‌داند که بیش‌ترین تعداد است. وی فرزندانی را نیز ذکر می‌کند که در کودکی درگذشته‌اند.

ویلفرد مادلونگ در پژوهشی کوتاه که درباره ازدواج‌های امام انجام داده، همسران آن حضرت را به ترتیب زینب دختر امرؤالقیس، جعده دختر اشعث، ام- بشیر دختر ابی مسعود، خوله دختر منظور، حفصه دختر عبدالرحمان بن ابی بکر، ام اسحاق دختر طلحه و هند دختر سهیل بن عمرو می‌شمارد. وی دیگر روایات مربوط به ازدواج‌های امام را مبهم و نامطمئن می‌داند.^۱ تعداد فرزندان امام، که حتی با قبول بیش‌ترین تعداد ذکر شده، ۲۳ نفر است.^۲ به عقیده برخی جعل این اتهامات به امام حسن (ع)، مربوط به دوره منصور عباسی، به علت قیام‌های فرزندان امام حسن (ع) علیه عباسیان، و برای تخریب چهره امام بوده است.^۳

امام حسن (ع) بارها پیاده به حج رفتند، اما مرکب‌های زیادی داشتند. لباس‌های زیبا می‌پوشیدند، عطر می‌زدند و سوار بر مرکب درحالی‌که غلامان در اطرافش بودند، از کوچه‌های مدینه عبور می‌کردند.^۴ احتمالاً اوضاع خاص زمان ایجاب می‌کرد امام با وجود زهد و بی‌رغبتی به دنیا، در ظاهر تجمل را رعایت فرمایند تا

۱. جانشینی حضرت محمد (ص)، ص ۵۰۵-۵۱۱.

۲. تذکره الخواص، ص ۲۳۱.

۳. برای مطالعه نقد روایات تعدد زوجات امام حسن (ع) نک: وسام برهان البلداوی، القول الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن (ع)؛ ویلفرد مادلونگ، جانشینی حضرت محمد (ص)؛ فضل الله کمپانی، حسن کیست، ص ۲۸۹-۲۹۷؛ پژوهشی پیرامون فرزندان و همسران امام حسن (ع)، حسین ایمانی، مجله کوثر، شماره ۵۵، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶-۱۱۹؛ نعمت‌الله صفری و معصومه اخلاقی، نقد و بررسی زندگی امام حسن (ع) از دیدگاه دونالدسن، مجله طلوع، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، بهار ۹۱، ش ۳۹، ص ۳۱-۳۳.

۴. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۷۳.

مورد طعن و کنایه مردم قرار نگیردند.^۱ و یا هنگامی که شنیدند گروهی از مردم مدینه وی را فقیر و بی چیز می دانند، اموالی را قرض کرد و به مردم نشان دادند^۲ تا این ذهنیت را در میان آنان از بین ببرند. در انتظار قرار گرفتن زندگی زاهدانه امام و در کنار آن سلطنت متجملانه معاویه و حاکمان او، تنها شیعیان معتقد و راستین را در اطراف حضرت باقی می گذاشت.

۲. صدقات

صدقات ائمه عمدتاً به سه چیز تعلق می گرفت:

۱. افراد فقیر و بی چیز؛
 ۲. برای ادای قرضی که توان پرداخت آن را نداشتند؛
 ۳. پرداخت دیه افرادی که قادر به پرداخت آن نبودند.
- امام حسین (علیه السلام) نیز درخواست کمک مالی را تنها در این موارد جایز می دانستند.^۳

عمده کمک های ائمه در دسته اول قرار می گرفت. امام حسن (علیه السلام) دو بار نیمی از ثروت خود را صدقه دادند.^۴ او و برادرش امام حسین (علیه السلام) در دست گیری از بینوایان معروف بودند. وقتی فردی از عثمان خواست او را به سوی کسی راهنمایی کند تا از او کمک بخواهد، عثمان او را نزد حسنین (علیه السلام) فرستاد و آن ها هر کدام به ترتیب پنجاه و ۴۹ دینار به او دادند.^۵

۱. طبق قولی، عمر وقتی از ابوبکر خواست فدک را از حضرت فاطمه (علیه السلام) پس گیرد، با این استدلال او را به این کار ترغیب کرد که وقتی امام علی (علیه السلام) مال و ثروتی نداشته باشد، مردم از گرد او پراکنده می شوند (مستدرک الوسایل، ج ۷، ص ۲۹۰).

۲. الکافی، ج ۶، ص ۴۴۰؛ وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۹؛ مستدرک الوسایل، ج ۱۳، ص ۳۸۹.

۳. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۱۸.

۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۶۶.

۵. الخصال، ج ۱، ص ۱۳۵.

ابوالحسن مدائنی نقل کرده که روزی حسنین (ع) و عبدالله بن جعفر در راه حج به علت مرگ شترشان گرسنه و تشنه ماندند. آنان به پیرزنی برخورد کردند و پیرزن آب و غذا در اختیارشان قرار داد. پس از مدتی که پیرزن به مدینه آمد امام حسن (ع) او را شناختند و برای جبران لطف او، هر یک هزار گوسفند و هزار دینار به او بخشیدند.^۱ مدائنی هم چنین نقل کرده است: «امام به کسی که از او درخواست کمک کرده بود، سیصد هزار درهم و پانصد دینار پرداختند^۲ در گزارشی از بخاری آمده است: «روزی مردی از امام حسن (ع) کمک خواست، امام در سه نوبت مبلغ چهار هزار دینار و هشت هزار درهم به وی دادند. گاه که از فقر کسی آگاه می شدند، بدون آن که او درخواست کند، خود طبق نیازش به او اموالی می دادند.»^۳ در روایتی به نقل از بخاری، امام حسن (ع) پرداخت دیه مردی را به عهده گرفتند.^۴

نتیجه

سبک زندگی اقتصادی امام حسن (ع) را می توان از منظر منابع درآمدی و هزینه های ایشان مطالعه کرد. منابع درآمدی امام، شامل موقوفات و صدقات، ارث، کشاورزی، هدایای مردمی و حکومتی و مقرری از بیت المال بود. گزارش های مربوط به هزینه های زندگی امام، عمدتاً مربوط به خانواده و کمک های ایشان به مستمندان است.

۱. کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۶۰؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۳۵

۲. کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۵۹؛ العدد القویه، ص ۲۹

۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۲

۴. همان.

پس از صلح و خارج شدن خلافت از دست حضرت درآمد ایشان بیش تر بر درآمدهای شخصی متکی بود. میراثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام باقی مانده بود و همچنین فعالیت های اقتصادی ایشان مثل کشاورزی، سهم مهمی از درآمدها را تشکیل می داد. هدایای حکومتی و مردمی نیز بخشی از درآمدها بودند.

اما برای وجوهات شیعیان نمی توان نقش چندانی قائل بود. گزارشی مبنی بر گرفتن خمس یا زکات از سوی امام حسن علیه السلام یافت نشد. در این دوره، شیعیان اعتقادی اندک بودند و جامعه شیعه نوپا بود. هنوز فقه خاصی شکل نگرفته بود. بر اساس فقه پیامبر صلی الله علیه و آله عموماً خمس از غنایم گرفته می شد که خمس غنایم جنگی و زکات در اختیار حکومت قرار می گرفت.

مواردی چون موقوفات، کشاورزی، هدایا و مقرری از بیت المال را می توان جزو درآمدهای شخصی و هزینه هایی چون مخارج خود امام، خانواده، کنیزان و غلامان و کمک به خویشاوندان را نیز جزو مخارج شخصی محسوب کرد. پاره ای از هدایا و تولیت بخشی از صدقات و موقوفات را نیز می توان به سبب تصدی جایگاه امامت از سوی ایشان دانست.

وضعیت روشنی از سبک زندگی اقتصادی امام حسن علیه السلام به ویژه در بخش هزینه ها نمی توان ترسیم کرد. گزارش های باقی مانده از هزینه های امام، عمدتاً حول صدقات ایشان است که به نظر می رسد فضایل نگاران به ثبت آن همت گمارده اند و گزارش زیادی از دیگر فعالیت های اقتصادی ایشان موجود نیست. می توان گفت: تقیه امام، حضور ایشان در مدینه و دور بودن از کوفه که بیش ترین پیروانشان در آن جا بودند و عدم احساس ضرورت در ثبت این گونه گزارش ها، در کم بودن تعداد آن ها دخیل بوده است.

منابع

١. ابن طاووس، سیدعلی بن موسی، الطرائف، قم: چاپخانه خیام، ١٤٠٠ق.
٢. ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللالی، قم: انتشارات سیدالشهداء (ع)، ١٤٠٥ق.
٣. ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد (م ٣١٤)، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیر، چاپ اول، بیروت: دارالأضواء، ١٤١١ق.
٤. ابن جوزی، سبط، تذکره الخواص، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.
٥. ابن حجر عسقلانی (م ٨٥٢)، احمد بن علی، الإصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٥ق.
٦. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، تحقیق خلیل شحاده، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر، ١٤٠٨ق.
٧. ابن شهر آشوب؛ محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، به کوشش محمدحسین دانش آشتیانی و سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات علامه، بی تا.
٨. ابن طاووس، سیدعلی بن موسی، کشف المحجبه لثمره المهجه، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب، ١٣٧٥ش.
٩. ابن فقیه، ابوعبدالله احمد بن محمد بن اسحاق همدانی (م ٣٦٥)، کتاب البلدان، تحقیق یوسف هادی، بیروت: عالم الکتب، ١٤١٦ق.
١٠. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر دمشقی (م ٧٧٤)، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر، ١٤٠٧ق.
١١. ابن مزاحم منقری، نصر، وقعه الصفین، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، چاپ دوم، قاهره: المؤسسه العربیة الحدیثه، ١٣٨٢.

۱۲. ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی (م ۲۸۳)، الغارات، تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ ش.
۱۳. ابوحنیفه احمد بن داود دینوری (م ۲۸۳)، الاخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۸.
۱۴. ابوزید عمر بن شبه نمیری بصری (م ۲۶۲)، تاریخ المدینه المنوره، دارالفکر، قم: ۱۳۶۸ ش.
۱۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز: چاپ مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۱۶. اصفهانی، ابوالفرج علی بن الحسین، (م ۳۵۶)، مقاتل الطالبیین، تحقیق سیداحمد صقر، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۱۷. ایمانی، حسین، «پژوهشی پیرامون فرزندان و همسران امام حسن علیه السلام»، مجله کوثر، شماره ۵۵، ۱۳۸۲.
۱۸. آل یاسین، شیخ راضی، صلح امام حسن علیه السلام، ترجمه سیدعلی خامنه‌ای، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۹. برهان‌البلداوی، وسام، القول الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن علیه السلام، کربلا: عتبه الحسینیة المقدسه، ۲۰۰۸ م.
۲۰. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸.
۲۱. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (م ۲۷۹)، کتاب جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۲۲. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.
۲۳. جزری، عزالدین بن اثیر ابوالحسن علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، داربیروت، ۱۳۸۵ ش.

۲۴. جزری، عزالدین بن الأثیر أبو الحسن علی بن محمد، **أسد الغابه فی معرفه الصحابه**، ج ۳، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. جعفری، سید حسین، **تشیع در مسیر تاریخ**، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹ ش.
۲۶. جعفریان، رسول، **تاریخ سیاسی اسلام**، چاپ دوم، قم: دلیل ما، ۱۳۸۲.
۲۷. _____، **حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)**، چاپ چهارم، قم: انصاریان، ۱۳۸۰ ش.
۲۸. جلالی، محمد باقر، **فدک و العوالی و الحوائط السبعه**، قم: دبیرخانه کتاب سال ولایت، ۱۳۸۴.
۲۹. حافظ، علی، **فصول من تاریخ المدینه المنوره**، چاپ دوم، جده: شرکت المدینه المنوره، للطباعه و النشر، ۱۴۱۷ ق.
۳۰. حموی، شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله، (م ۶۲۶)، **معجم البلدان**، چاپ دوم، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۵ م.
۳۱. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، **قرب الإسناد**، ص ۴۴، تهران: انتشارات کتابخانه نینوی، بی تا.
۳۲. حمیری معافری، عبدالملک بن هشام، **السیره النبویه**، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۳۳. خواجهویان، محمد کاظم، **تاریخ تشیع**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۹ ش.
۳۴. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، (م ۲۸۲)، **الأخبار الطوال**، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش.
۳۵. دینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه، **الإمامه و السیاسه معروف تاریخ الخلفاء**، تحقیق علی شیر، بیروت: چاپ اول، دارالأضواء، ۱۴۱۰ ق.

۳۶. ذهبی (م ۷۴۸)، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ ق.

۳۷. رازی، ابوعلی مسکویه، تجارب الأمم، تحقیق ابوالقاسم امامی، چاپ دوم، تهران: سروش، ۱۳۷۹ ش.

۳۸. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائع، قم: مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.

۳۹. _____، فقه القرآن، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۵ ق.

۴۰. رضی الدین علی بن یوسف حلی، العدد القویه، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی ۱۴۰۸ ق.

۴۱. زمانی، احمد، حقایق پنهان، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۴۲. سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی، تحقیق قاسم سامرائی، بی جا: مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی، ۱۴۲۲ ق.

۴۳. سیدالوکیل، محمد، المدینه المنوره، معالم و الحضاره، دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۷ ق.

۴۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین ۱۴۱۳، ق.

۴۵. _____، الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.

۴۶. _____، علل الشرائع، قم: انتشارات مکتبه الداوری.

۴۷. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.

۴۸. صفری، نعمت‌الله و معصومه اخلاقی، «نقد و بررسی زندگی امام حسن (ع) از دیدگاه دونالدسن، مجله طلوع، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، بهار ۹۱، ش ۳۹.
۴۹. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الإحتجاج، مشهد: نشر مرتضی ۱۴۰۳ ق.
۵۰. طبری (م ۳۱۰)، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.
۵۱. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم: انتشارات دارالتقافه، ۱۴۱۴ ق.
۵۲. ———، التهذیب، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۵۳. ———، الغیبه، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۵۴. عاملی، جعفر مرتضی، الحیاه السیاسیه للامام المجتبی (ع)، بیروت: دارالسیره، ۱۴۱۴ ق.
۵۵. عاملی، حر، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۵۶. علیدوست خراسانی، نورالله، منابع مالی اهل بیت، تهران: دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۵۷. فیروزآبادی، سیدمرتضی، فضایل الخمسه من الصحاح الستة، چاپ دوم، تهران: اسلامی، ۱۳۹۲ ق.
۵۸. قرشی، باقر شریف، زندگانی امام حسن (ع)، ترجمه فخرالدین حجازی، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۷۶ ش.
۵۹. قرطبی، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالکبیر (۴۶۳)، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، چاپ اول، بیروت: دارالجیل، ۱۴۱۲ ق.
۶۰. قزوینی، سید محمد حسن، فدک، ترجمه سید احمد علم الهدی، بی جا: ناشر حسن سعید، بی تا.

۶۱. کلینی، اصول کافی، ترجمه کمره‌ای، ج ۲، چاپ سوم، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش.
۶۲. کمپانی، فضل‌الله، حسن کیست، بی‌جا: فراهانی، ۱۳۵۴ ش.
۶۳. مادلونگ، ویلفرد، جانشینی حضرت محمد، ترجمه احمد نمایی، جواد قاسمی، محمد جواد مهدوی و حمیدرضا ضابط، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵.
۶۴. مالکی، ابن صباغ، الفصول المهمه، نجف: دارالکتب التجاریه، ۱۹۵۰ م.
۶۵. مجلسی، بحار الأنوار، بیروت: لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۶۶. مسعودی ابوالحسن علی بن الحسین بن علی، (م ۳۴۶)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، چاپ دوم، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
۶۷. _____، (م ۳۴۵)، التنبيه و الإشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵ ش.
۶۸. _____، التنبيه و الإشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل صاوی، القاهرة: دارالصاوی، بی‌تا.
۶۹. معتزلی، ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۷۰. مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ارشاد، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۷۱. _____، الإختصاص، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۷۲. مقدسی، مطهر بن طاهر، (م ۵۰۷)، البدء و التاريخ، مکتبه الثقافه الدینیه، بی‌تا.
۷۳. مقریزی تقی‌الدین احمدبن علی (م ۸۴۵)، امتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع، تحقیق محمدعبدالحمید النمیسی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.

٧٤. نمیری، ابن شبه، تاریخ مدینه المنوره، قم: دارالفکر، ١٣٦٨.
٧٥. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، چاپ اول، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ١٤٠٨ ق.
٧٦. نیاوردی، ابوالحسن، علی بن محمد، احکام السلطانیه و الولايات الدینیّه، کویت: ١٤٠٩ ق.
٧٧. واقدی، محمد بن عمر (م ٢٠٧)، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونز، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ق.
٧٨. هاشمی بصری، محمد بن سعد، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٠ ق.
٧٩. همدانی، احمد بن محمد (معروف به ابن الفقیه)، کتاب البلدان، تحقیق یوسف الهادی، چاپ اول، بیروت: عالم الکتب، ١٤١٦ ق.
٨٠. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، البلدان، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤٢٢ ق.